

## آرشیوها و همکاری در عصر اطلاعات

نوشته جان مک دونالد<sup>۱</sup>

ترجمه و تلخیص سعید رضایی شریف آبادی<sup>۲</sup>

**چکیده:** اطلاعات میراست و در عصر حاضر نگهداری از حافظه ثبت شده بشری بسیار دشوار است و تنها با ظهور تکنولوژیهای کامپیوتری و استفاده روزافزون از آنها است که ماهیت، اهمیت و حفظ سند شکل نویی به خود گرفته است. استفاده از تکنولوژیهای اطلاعات در آرشیوها طی بیست سال گذشته و مشکلات ناشی از این وابستگی سبب شد، آرشیویست‌ها شیوه‌های عمل خود را مورد بررسی مجدد قرار دهند. و مهمتر اینکه احساس کرده‌اند نیازمند همکاری با سایر متخصصان حوزه مدیریت هستند. مقاله حاضر کوشیده است به سؤال مطرح شده در این زمینه پاسخ دهد: (۱) ماهیت چنین همکاری در هنگامی که حرفه آرشیو رو به سوی آینده دارد چیست؟ (۲) مقدمات ضروری همکاری موفقیت‌آمیز چیست؟ درون چه محیط اطلاعاتی آرشیویست برای همکاری تلاش خواهد کرد؟

اطلاعات کالایی فناپذیر است. در هیچ زمانی نگهداری از حافظه ثبت شده بشری برای جامعه این همه دشواری به همراه نداشته است. ظهور تکنولوژیهای کامپیوتری و استفاده روزافزون و پیچیده از آنها در سازمانهای جدید تأثیر چشمگیری در ماهیت، اهمیت و حفظ "سند" داشته است. در طول بیست سال گذشته آرشیویست‌ها به طور فزاینده نسبت به دسترسی مستمر به اطلاعات الکترونیکی تولید شده توسط تکنولوژیهای کامپیوتری حساس شده‌اند. آموخته‌ایم که این‌گونه

1. John Medonald, "Archives and Cooperation in the Information Age" in: *Archiviana*, 35(spring 1993). P. 110-117.

۲. دانشجوی دکتری کتابداری و اطلاع‌رسانی در استرالیا

اطلاعات می‌تواند به علت آسیب‌پذیری رسانه، نبود اطلاعات زمینه به میزان کافی، وابستگی به تکنولوژی دائماً در حال تغییر، و همچنین بی‌مسئولیتی در برابر خسارات وارده، پراختی گم شود. این عوامل موجب شده است که آرشیویست‌ها شیوه‌های عمل خود را مورد بررسی مجدد قرار دهند و مهمتر از همه آنکه به این نکته پی ببرند که چنانچه دسترس‌پذیری، استفاده، فهم و شناخت این‌گونه اطلاعات بخواهد در زمان حال و آینده حتمی شود، آرشیویست‌ها نیازمند همکاری با سایر متخصصان حوزه مدیریت هستند.

حال سؤال این است که ماهیت چنین همکاری در هنگامی که حرفه آرشیو رو به سوی آینده دارد چیست؟ مقدمات ضروری همکاری موفقیت‌آمیز چیست؟ درون چه محیط اطلاعاتی آرشیویست برای همکاری تلاش خواهد کرد؟ در اینجا بهتر است به جای آنکه بکوشیم تصویری از آینده جهان ترسیم کنیم چند گرایش مهم جاری را مورد توجه قرار دهیم و بر مبنای آنها در باب اهمیت همکاری توسط آرشیوها در آینده نظر دهیم.

شاید مناسب باشد بحث خود را با تغییراتی که ظرف پانزده بیست سال گذشته ایجاد شده آغاز کنیم. به عنوان مثال بیشتر آرشیویست‌ها در دهه ۷۰ توفیقی اندک برای دسترسی به کامپیوتر داشته‌اند. امروزه، شاید بسیاری بگویند که در انجام کارهای خود کاملاً به کامپیوتر وابسته‌اند. علاوه بر این نسل جدیدی در حال رشد است که برای آن دیگر استفاده از کامپیوتر مشکلی به حساب نمی‌آید، بلکه بخشی از زندگی و نوعی ضرورت است. چنین تحولی در استفاده از شبکه‌های الکترونیکی در مدیریت آرشیو نیز در حال وقوع است. در سال ۱۹۸۵ آرشیویست‌های زیادی به شبکه وصل نبودند و یا به شبکه‌هایی مانند اینترنت و یا بیت‌نت<sup>۱</sup> دسترسی نداشتند. امروزه استفاده از این شبکه‌های الکترونیکی توسط آرشیویست‌ها رو به افزایش است و در چند سال آینده بیشتر آرشیویست‌ها در سراسر جهان خواهند توانست با یکدیگر ارتباط برقرار کنند.

بدون شک در دهه گذشته نقش کامپیوتر و تکنولوژیهای ارتباطی وابسته به آن به‌طور چشمگیری در جامعه مشهود است. با این همه، گرچه نقش کامپیوتر به عنوان یکی از مهمترین عوامل تأثیرگذار در شکل‌دهی به آینده مطرح است، نباید این مسئله کانون توجه باشد. بلکه توجه باید به سمت تأثیری که کامپیوتر بر دگرگونی سازمانهای نوین و در نتیجه بر ماهیت و اهمیت اطلاعات دارد معطوف شود<sup>(۱)</sup>. کامپیوتر به‌طور غیرمستقیم کمک کرده تا سازمانها در روشهای اداره خود و راههای خلق و استفاده از اطلاعات تغییری اساسی دهند. استفاده از واژه‌هایی نظیر

بازنگری اداری یا بازنگری ساختاری توسط سازمانها، بویژه در بخش خصوصی از تلاش ایشان در جهت زنده ماندن در جهان رقابت حکایت می‌کند. در جهانی که توأم با فشارهای اقتصادی ملی و بین‌المللی است سازمانها باید تصویر روشنی از خود و ابتکارات خود در روشهایی که پیش می‌گیرند داشته باشند. استفاده استراتژیک از اطلاعات و تکنولوژی اطلاعات یکی از راههای رسیدن به چنین هدفی است. ساختار سازمانی گسترده، کارکنان و گروههای کاری قوی، اداره غیرمتمرکز و مسئولیت توزیع شده، همه به گونه‌ای ناشی از استفاده ابتکاری از اطلاعات و تکنولوژی اطلاعات توسط سازمانهای امروزی است.

هم‌اکنون جامعه با عصر بدون کاغذ نظامهای اطلاعات مدیریتی مواجه است (سیستمهای دو سویه‌ای که از ماهیت وجودی سازمان حمایت می‌کنند). در این نظامها به عنوان مثال پرداخت حق بیمه (یا اعانات اجتماعی)، جمع‌آوری مالیات، یا صدور گواهینامه در شرایطی انجام می‌شود که مقدار بسیار اندکی از اطلاعات به شکل کاغذ تولید می‌شود. گرچه شبکه‌های اداری امروزی ضرورتاً به عنوان امکانات خصوصی برای ارسال پیامهای فوری و تولید مدارک کاغذی به نحو مؤثرتر به کار می‌رود ولی در آینده این شبکه‌ها به صورت شبکه‌های یکپارچه در خواهند آمد که از انتقال و تصویب رسمی اسناد در محیط مشترک تعریف شده حمایت می‌کنند. گرچه هنوز اداره بدون کاغذ<sup>۱</sup> خیالی دور به نظر می‌رسد، ولی در آینده ادارات تحت سلطه اسناد الکترونیکی قرار خواهند گرفت، چه این‌گونه اسناد متن باشند یا گرافیک (اعم از فیلم، عکس و یا نقشه)، یا صدا (شامل ابزار و صوت). کارکنان ادارات نیز به امکانات دسترسی، خلق، تغییر و انتقال انواع مدارک مجهز خواهند شد. از همه مهمتر اینکه کارکنان قادر خواهند بود از نرم‌افزارهای جدیدی استفاده کنند که توزیع مدارک را ماشینی کرده و کارکنان را یاری دهد تا داده‌های مورد نیاز را به دست آورده ذخیره کنند به گونه‌ای که بازبازی اطلاعات و نیازهای سازمان به راحتی انجام پذیرد. گرچه ادارات هنوز در محیطی چند رسانه‌ای قرار دارند ولی رفته رفته امور اداری ماشینی خواهند شد و اهمیت اطلاعات الکترونیکی در ثبت تصمیم‌گیریها و حفظ سوابق کارها رشد خواهد کرد.

براساس چنین پیشرفتهایی است که گرایش مهم دیگری پدیدار شده است. سازمانها با تشخیص نقشی که اطلاعات الکترونیکی در حمایت از تصمیم‌گیریها، اعلام برنامه‌ها و رسیدگی به عملکرد آنها بازی می‌کنند، بیشتر و بیشتر نسبت به درستی و دوام این گونه اطلاعات حساس شده‌اند. چنین حساسیتی در مورد آن گونه مدارک کاغذی که به آنها به عنوان اطلاعاتی گذرا و نه به عنوان

سرمایه‌ای ارزشمند نگاه شده و وجود نداشته است. این گونه حساسیتها در بعضی از سازمانها منجر شده تا به نقشی که انواع دیگر اطلاعات می‌توانند در مدیریت ایفا کنند توجه بیشتر شود. به‌طور کلی این عوامل حساسیت نسبت به حفظ سوابق سازمانی و اداری را افزایش داده است. این مسئله به نوبه خود موجب آن شده است که به نکات زیر بیشتر توجه شود: نوع اطلاعاتی که باید در مورد ثبت تصمیم‌گیرها حفظ شوند، جایگاه قانونی اطلاعات، نوع رسانه‌ای که باید اطلاعات در آن ضبط شود، روشهایی که باید برای دستیابی به اطلاعات به کار گرفته شود، میزان اطلاعات مورد نیاز برای فهم مدرک، نوع استانداردهای مورد نیاز برای سازماندهی مدارک، روشهای اشاعه اطلاعات در میان استفاده‌کنندگان عصر حاضر و نسلهای آینده، و در پاره‌ای از موارد، هزینه‌های مربوط. چنین مسائلی شخص را متوجه سه نکته می‌کند: نکته اول آنکه گرایش جامعه به سمت دنیای اطلاعات چند رسانه‌ای است که در آن اطلاعات الکترونیکی مستولی است، آرشیویست‌ها را، چنانچه بخواهند نیازهایشان در جهت بقای اطلاعات آرشیوی برآورده شود، مجبور می‌کند نقش فعالتری را ایفا کنند. نکته دوم آنکه اگر سازمانهای جدید، از جمله مؤسسات آرشیوی بخواهند باقی بمانند ناچار به همکاری با یکدیگر هستند. "مشارکت"، "سرمایه‌گذاری مشترک"، "اتلاف"، و "ابتکارات مشترک" هم اکنون به صورت واژه‌های مهمی درآمده‌اند که در آینده بر اهمیت آنها افزوده خواهد شد. نکته سوم آنکه گرچه آرشیویست‌ها نیازمند آن هستند که تصویر روشتری از نیازهای خود در زمینه سازماندهی مدارک داشته باشند، باید بدانند که آنان سخن فراوان نیز برای گفتن دارند و شنوندگانی هم خواهند بود که به سخنان آنها گوش دهند.

اما فارغ از نوع همکاری، سازمانها برای همکاری موفقیت‌آمیز نیازمند اهداف روشن هستند. اهدافی که هم تعریف کنند چه نوع ابتکارات مشترکی را می‌توان اجرا کرد و هم اینکه چگونه اعضای شرکت کننده می‌توانند از چنین همکاری بهره‌برند.

مؤسسات همچنین، باید برای بنا نهادن این‌گونه اهداف تصویر روشنی از دلایل همکاری داشته باشند. آنها باید فهم روشنی از مأموریت خود داشته باشند و از جایی که به دنبال رسیدن به آن هستند، ابزار و روشهای رسیدن به آنجا و کارمندان با دانش و مهارت مورد نیاز تصویر ترسیم کنند.

تفاوتی میان آرشیویست‌ها نیست. قبل از آنکه بتوانیم همکاری کنیم باید وجود خود را باور کنیم تا بتوانیم به‌طور مؤثرتری با دیگران ارتباط برقرار کنیم. برای حصول چنین هدفی باید مأموریت خود را بشناسیم، همکاری مفروض به‌طور طبیعی باید برای همه اعضای شرکت کننده منافی داشته باشد، آرشیویست‌ها نیز باید بدانند چه چیزی را می‌توانند مدعی شوند، و سرانجام باید برای همکاری چارچوب مدیریتی شخصی داشته باشند. آرشیویست‌ها باید افراد با تجربه‌ای را

مامور مذاکره کنند که بخوبی بتوانند راههای مشارکت راطراحی کنند. ما به استراتژیهای ارتباطی که همه افراد علاقه‌مند را مطلع نگه دارد نیز نیاز مندیم.

وظیفه یک آرشیو همچنین ریشه در قوانین محکم، نظامنامه‌ها، مقررات آکادمیک و غیره دارد. مهمترین لازمه همکاری، بخصوص با اعضای خارج حرفه آرشیو، دوراندیشی‌های مدیریت آرشیو و اهداف تبیین شده برای رسیدن به آن مقصد است. از آرشیوهای خصوصی گرفته که در جهت منافع مسئولان و متولیان خود گام برمی‌دارند تا آرشیوهای عمومی که توسط دولت حمایت مالی می‌شوند و مردم را در دستیابی به مجموعه‌هایشان بیشتر تشویق می‌کنند، داشتن چنین دوراندیشی و دیدگاهی از ضروریات است. دیدگاه ما نسبت به وظیفه آرشیو و فهم ما از نیازهای آن عواملی هستند که ماهیت روابطی را که آرشیوها با دیگران برقرار می‌کنند تبیین می‌کنند و نوع فهم دیگران را نیز نسبت به ما در زمینه همکاری شکل می‌دهد.

همکاری جاده دو طرفه است؛ باید چیزی داد تا بتوان چیزی گرفت. با عنایت به توجه روزافزون سازمانها به دست‌رس‌پذیر کردن و قابل استفاده و قابل فهم کردن پیشینه فعالیت خود، نگارنده معتقد است که آرشیویست‌ها به هنگام همکاری چیزهای زیادی برای عرضه کردن دارند. آرشیویست‌ها در علاقه‌شان نسبت به تهیه زمینه اسناد و شواهد با یکدیگر مشترک هستند. آرشیو بیش از حرفه دیگری قادر است با مسائل مربوط به نقش اطلاعات در فراهم کردن زمینه و شواهد یک حرکت یا انجام عملی دست و پنجه نرم کند. در عصری که افراد و سازمانها بیش از هر زمان دیگر نسبت به فهم قراین در زمینه‌هایی که عملی در متن آن به وقوع پیوسته حساس‌تر شده‌اند، نیاز به سازماندهی مربوط، با عنایت به فراهم کردن چنین شواهد و قراین از هر زمان دیگر حادتر شده است. آرشیویست‌ها به دلیل ماهیت کارشان، به خوبی می‌دانند که حفظ دوام حیات اطلاعات چیزی بیش از قرار دادن آن در قفسه است. عواملی نظیر محتوای اطلاعات، زمینه تولید اطلاعات و حتی استفاده اولیه و اصلی از آن همگی مورد توجه و عنایت آرشیوهاست.

در انجام چنین رسالتی، باید به فکر تغییر روشهای خود نیز باشیم. به عنوان مثال، گرایش‌هایی در کار توسعه سیستمهای اطلاعاتی در حال شکل‌گیری است که به ما آموخته است که اگر قرار باشد مجموعه‌ای از اسناد مرغوب به آرشیو منتقل شود، آرشیویست‌ها باید همکاری خود را با تولید کنندگان این اسناد بسیار زودتر و در دوره حیات اسناد آغاز کنند، نه آن‌طور که تاکنون عادت داشته‌ایم. در شناخت کسانی که آرشیویست‌ها باید با آنها همکاری کنند نیازمندیم که راه و روش ارزیابی اسناد را از یک سو بر مبنای فهم جامعی از جهان اطلاعات که در آن در حال فعالیت هستیم استوار سازیم و از سوی دیگر نیاز استفاده‌کننده‌ای را که با او مراد داریم در نظر بگیریم. اگر بخواهیم نقش معناداری را برای آینده خود در نظر بگیریم باید روشهای برنامه‌ریزی شده‌ای را برای

شناسایی و حفظ اسناد آرشیوی در سرلوحه کارهایمان قرار دهیم.

ما همچنین باید همکاری خود را با بیش از یک حوزه برقرار کنیم. مدیران اسناد، این متحدان سنتی ما، به مدیران سیستم‌های اداری، مدیران برنامه‌ریزی، کتابداران و حرفه‌های اطلاعاتی دیگر که اغلب نفوذ زیادی در حفظ حیات و دوام پیشینه سازمانی آنها داشته‌اند پیوند خورده‌اند. چنانچه بخواهیم از این حوزه‌ها طلب یاری کنیم، چه چیزی داریم که در مقابل به آنها عرضه کنیم؟ به نظر من مسائلی نظیر زمینه، شواهد، و حفظ بقای اطلاعات نکاتی هستند که حوزه آرشیو بیش از هر حوزه دیگری می‌تواند در رفع مشکلات مربوط به حفظ پیشینه فعالیت سازمانها به آنها کمک کند. سند چیست؟ در حالی که انواع و اقسام مدارک وجود دارند ما چگونه سند را در این میان شناسایی می‌کنیم؟ چه چیزی را باید نگه داریم و چرا؟ تعریف ما از سند چیست؟ آیا می‌توان آن را به شواهد انجام یک کار تعبیر کرد؟ وقتی کارها توسط وسایل الکترونیکی و تجهیزات کامپیوتری که بسیار سیال و ناپایدار هستند انجام می‌شود اطلاق نمی‌گردد؟ آرشیویست‌ها برای پاسخ به این گونه سؤاها در بهترین موقعیت قرار گرفته‌اند و یا حداقل می‌توانند چارچوب فکری بنا کنند که بتوان پاسخ این گونه سؤاها را در آن یافت.

به همین دلیل است که آرشیوهای عمومی به هنگام همکاری با سازمانهای مادر باید نیروی خود را بیشتر صرف تهیه توصیه‌هایی کنند که به سیاستها، استانداردها و روشهای کار برای مدیریت اسناد مربوط می‌شود تا تعیین سیاست برای تمامی مدیریت اطلاعات. اینکه چگونه سازمانها باید اطلاعات را در درون جریانهای پیچیده سر داده‌ها شناسایی، توصیف، ارزیابی، سازماندهی، طبقه‌بندی، نگهداری، یا امحاء کنند به طوری که نیازهایشان را برآورد از جمله این توصیه‌هاست. یا اینکه چگونه چنین فعالیتهایی در جریان برنامه‌ریزی منعکس شود تا منجر به سیستمها یا برنامه‌های جدید یا تعدیل برنامه‌های موجود شود.

در توجه به این مسائل و مسائل مربوط به حافظه سازمانی است که آرشیوهای عمومی حداقل "کنج دنجی" در این بازار برای خود کشف خواهند کرد که کس دیگری را به آن راه نیست. این جایگاه به گرد آمدن اسناد آرشیوی با کیفیت منجر خواهد شد که دسترس‌پذیری، استفاده و قابل فهم بودن آنها ممکن خواهد بود. همه اینها به نوبه خود به اطلاعات مورد نیاز سازمانها برای انجام کارهایشان و نیز اطلاعات مورد نیاز برای رسیدگی به عملکرد آنها منجر خواهد شد.

از طریق همکاری، سازمانهای جدید در تلاش هستند تا دشواریهای مربوط به دسترس‌پذیری و فهم مجموعه‌های اطلاعاتی خود را مرتفع سازند. به همین منظور سازمانها توجه زیادی به تهیه فهرستهای موجودی، اصطلاحنامه‌ها و فهرست مستند اسامی معطوف می‌دارند. اینها ابزارها و فوننی هستند که بر چگونگی وسایل باز یابی که مورد استفاده سازمانهاست و آرشیوها آن را برای

اداره مجموعه خود تهیه کرده‌اند تأثیری بسزا خواهد داشت.

آرشیوها نه تنها به دلیل تأثیر بر روی طراحی این ابزار و فنون، بلکه به منظور آنکه با دیدگاه آرشیوی خود به "زمینه" و "شواهد" بتوانند به ارزش آنها بیفزایند باید با سازمانهای دیگر همکاری کنند. به عنوان مثال توانایی آرشیویست در نگاه کردن به دنیا در قالب مجموعه‌ای از وظایف و فعالیتها، می‌تواند به عنوان مدلی نظری به کار رود و تهیه کنندگان اصطلاحنامه‌های سازمانی را یاری دهد تا بر دشواریهایی که بنا به ساختار سازمانی و موضوعات بدون زمینه قبلی در کارشان ایجاد می‌شود، غلبه کنند.

راههای جدید و ابداعی تأمین دسترس‌پذیری و اشاعه اطلاعات به سرعت رو به افزایش است. در همین راستا بسیاری از سازمانها متوجه شده‌اند که مجموعه اطلاعات الکترونیکی آنها می‌تواند به کالایی ارزشمند تبدیل شود که برای آنها عایدات نیز داشته باشد. سازمانهای جدید نظیر خرده فروشان و عمده فروشان اطلاعات همراه با سایر منابع سنتی اطلاعات نظیر کتابخانه‌ها، مترصدند تا از فرصتهای جدید بهره ببرند. صرف نظر از اینکه آرشیوها امانتدار اسناد هستند و کارشان مراقبت از آنهاست یا خیر، آرشیوها به زودی خود را در ارتباط با سازمانهایی خواهند دید که در تهیه نرم‌افزارها و اشاعه اطلاعات بویژه اشاعه اطلاعات الکترونیکی مهارت دارند. ما باید خود را برای مراد به این‌گونه سازمانها آماده سازیم. در چنین فضایی ما مجبوریم با مسائلی نظیر حق مؤلف، هزینه استفاده و استانداردها دست و پنجه نرم کنیم.

به عنوان مثال، در حوزه استانداردها، آرشیویست‌ها به خوبی آگاهند که استانداردها از ضروریات مبادله و حیات اطلاعات الکترونیکی هستند. بنابراین نقش آرشیویست‌ها در این زمینه چیست؟ ما چگونه باید درگیر این قضیه شویم. جواب مسئله در نوع روشهایی نهفته است که ما برای شناسایی و تعریف نیازمندیهایمان به کار می‌بریم. اگر قرار است آرشیویست‌ها نقش معناداری را در توسعه استانداردها ایفا کنند یا بر سر آن با دیگران به همکاری بپردازند باید تصویر روشنی از نیازهای حرفه‌ای خود داشته باشند<sup>(۲)</sup>. دیدگاهی که ما نسبت به مسائل داریم، اهداف ما و فهم ما از آنچه می‌توانیم در قبال همکاری به دیگران عرضه کنیم، از جمله همکاری در تهیه استانداردها، در نظر گرفته نخواهد شد، خصوصاً اگر نتوانیم انتظارات خود را در مورد نحوه مدیریت مادی و محتوایی اسناد برای حفظ یکپارچگی آنها بیان کنیم. با توجه به چنین مطلبی، آرشیویست‌ها ممکن است به این نتیجه برسند که به جای شرکت در هر کمیته استاندارد، بهتر است که با سازمانهای مشابه برای شناسایی استانداردها در سطح سیاستگذاری، تبیین روشها و همچنین در سطح علمی و فنی همکاری کنند.

اینها تنها مثالهایی است که می‌توان در مورد آنچه آرشیوها باید قبل از برقراری ارتباط در نظر



بگیرند ارائه داد. با این حال، آرشیویست‌ها برای همکاری مؤثر نیازمندند که توسط ساختارهای اداری حمایت شوند که برای آنها مکانیسمی را برای ورود به همکاری مشخص کنند. همچنین آرشیویست‌ها به برنامه‌های پرورش حرفه‌ای نیاز دارند که مهارت‌های لازم برای همکاری با دیگران را در آنها ایجاد کند و توسعه دهد. آنها به تدابیری نیز نیازمندند که گردش دقیق و سریع اطلاعات را میان شرکت کنندگان در برنامه‌های همکاری یعنی پشتیبانان مالی و سرمایه‌گذاران را تضمین کند.

گونه‌هایی از ساختار اداری وجود دارند که آرشیوی می‌تواند برای اجرای وظایف خود آنها را به کار برد، مانند ساختار سلسله‌مراتبی، ماتریسی، غیرمتمرکز، متمرکز و غیره. اما صرف‌نظر از این بسترها، آرشیوها در آینده نیازمندند که توان برقراری ارتباط مؤثر و ساده را با سازمان‌های دیگر داشته باشند. قراردادهای مشارکت چندجانبه، توافقات دوجانبه با سازمان‌های فعال در بخش‌های مختلف و حتی کشورهای مختلف، پروژه‌های چندجانبه‌ای بین سازمانی و سرمایه‌گذارهای مشترک با بنیادها و مؤسسات مالی و سرمایه‌گذاران، همگی نیازمند داشتن یک ساختار اداری است که بتوان براساس آن عمل کرد. در بوروکراسی مدرن این نوع ساختارها، چه در مرحله طراحی و چه به‌نگام اجرا دشواری‌هایی به همراه دارد. به همین دلیل آرشیویست‌ها باید سعی کنند از کسانی که هم‌اکنون مکانیسم‌های مشارکت رسمی را تبیین کرده‌اند یاد بگیرند، در واقع کمک به برپا کردن دستگاهی که بتوان براساس آن پروژه‌های مشترک را به اجرا در آورد.

بر پا کردن برنامه‌های همکاری هنگامی که کارکنان آرشیو آموزش و تعلیم کافی ندیده باشند و میل به مراد به با دیگران را نداشته باشند بسیار دشوار است. در آینده الکترونیکی‌ک نیاز به همکاری در آن مبرم است، استخدام کارکنانی که دانش ضروری و توانایی‌های لازم و از همه مهمتر، شایستگی‌های فردی را داشته باشند، از ضروریات است. القاء حسن همکاری با توسل به روش مدیریت باز و مترقی کافی نیست. آرشیویست‌ها قبل از هر چیز به برنامه‌های پرورش حرفه‌ای بی‌نیازمندند که محیط آموزش مداوم را برای آنها فراهم کند و همچنین چنان فرهنگی را در آنها بپروراند که هدف‌های حرفه‌ای را در همکاری با دیگران و نه در رقابت با آنها و یا انزوای طلبی تعقیب کنند. بنابراین، آرشیویست‌ها به آن نوع برنامه‌های آموزشی نیازمندند که به آنها بیاموزد چگونه توان خود را برای همکاری تحلیل کنند، چگونه با دیگران مذاکره کنند، چگونه مقدمات همکاری‌های پیچیده را شناسایی و تنظیم کنند و چگونه به اجرا دست زنند که هم شرکت‌کننده و هم هدایت‌کننده این قراردادهای همکاری باشند به نحوی که خواسته‌های تمامی اعضای شرکت‌کننده برآورده شود.

این نقطه‌ای است که سازمان‌های حرفه‌ای می‌توانند در آن نقشی بدان مهمی ایفا کنند. برنامه‌های آموزشی و تربیتی که تهیه شده یا در حال تهیه است باید اجزایی را کنار هم بگذارند که این اجزا



بتوانند مسائلی نظیر اسناد الکترونیکی، استانداردهای توصیف، روشهای حفظ و مراقبت، خدمات عمومی و غیره را به هنگام همکاری در برگیرند. چنین برنامه‌هایی باید روش مشارکت رسمی، مسئولیت مشترک و گاهی تنظیم مقدمات پیچیده کار مشترک را مورد بحث قرار دهند.

آرشیویست‌ها در نیازشان به فراگیری نحوه ایجاد چنین برنامه‌هایی تنها نیستند. گروهها، مؤسسات و رشته‌های دیگر نیز نیازمند چنین فراگیریهایی هستند. با سهم شدن در منابع و اتکاء به تخصص یکدیگر امکان ایجاد برنامه‌های مناسب، مؤثر و گسترده‌تر در آینده وجود دارد.

یکی از عوامل مهم هرگونه همکاری، تدابیر ارتباطی است به نحوی که اعضای شرکت‌کننده در همکاری از اهداف تبیین شده درک واحد به دست آورند و از پیشرفتهای حاصله به طور روزانه مطلع شوند. موضوع به این سادگی نیست که بتوان تنها با تماس تلفنی مشکل را حل کرد. آرشیویست‌ها نیازمند ایجاد ارتباطهای رسمی براساس توافقهایی انجام شده در مورد همکاری نیستند. آنها همچنین نیازمند مکانیسمی هستند که در آن از ابزارها و روشهای ارتباطی مناسب استفاده شود.

آن همکاری که قرار باشد محصول مشترکی از آن بدست آید نیازمند طرحهای ارتباطی است که تعیین کند چه کسی محصول را آماده خواهد کرد، چه کسی متعهد انتشار و اشاعه آن است، چه کسی آن را دریافت می‌کند. و البته چه کسی هزینه آن را متقبل می‌شود.

در سطح وسیعتر، حرفه مانه تنها نیازمند آگاهی یافتن از طرحهای موجود همکاری است بلکه باید امکانهای آتی را نیز برای همکاری مدنظر بگیرد. سازمانهای حرفه‌ای می‌توانند کنفرانسهایی ترتیب دهند که در آنها از درسهایی که از همکاران با دیگران فرا گرفته‌اند سخن بگویند؛ و بخصوص از افراد و گروههای خارج از حرفه آرشیو مطالب جدید بیاموزند. علاوه بر ارتباط با اعضاء شرکا می‌توانند با هدف شناسایی عرصه همکاری، روابط نزدیکتری نیز با سازمانهای حرفه‌ای مربوطه برقرار کنند.

امکاناتی که تکنولوژی اطلاعاتی به منظور کمک به همکاری در بین آرشیویست‌ها فراهم کرده است، فراوان است. بزرگراههای اطلاعاتی که ما را به تدریج به یکدیگر متصل می‌کنند به آرشیویست‌ها اجازه می‌دهند که در اطلاعات یکدیگر سهیم شوند و با یکدیگر به نحوی کار کنند که یک دهه قبل تصور آن را نیز نمی‌کردند. گرچه این عرصه هنوز برای آرشیویست‌ها به خوبی شناخته نشده است، با این حال، شبکه‌ها در آینده جزء بنیادین زندگی شغلی ما در خواهند آمد. همان طور که جوامع تحقیقی پژوهشی پیشرفته دریافته‌اند، شبکه‌های اطلاعاتی آرشیویست‌ها را نیز قادر خواهند ساخت تا محدوده‌های ملی را پشت سر بگذارند و زمینه را برای راههای همکاری جهانی در سطحی که مفهوم دهکده جهانی به واقعیت ببیند، فراهم کنند. با توجه به همین اهمیت

روزافزون شبکه‌ها در ارتباطات و همکاری بین‌المللی است که شورای بین‌المللی آرشیوها<sup>۱</sup> موفق شد در هفتمین کنگره خود نتیجه‌گیری کند که شورا باید در کمک به آرشیوها برای شناخت موقعیت خود در رابطه با مفهوم دهکده جهانی نقش رهبری داشته باشد. سازمانهای جدید آموخته‌اند که برای زنده ماندن و شکوفایی، به استفاده ابداعی و جدید از اطلاعات، تکنولوژی اطلاعاتی و همکاری با یکدیگر نیاز دارند. اگر آرشیویست‌ها بخواهند در حفظ اسناد آرشیوی آینده نقشی ایفا کنند، و اگر بخواهیم نسل آینده ما را بی‌اهمیت تلقی نکند آنگاه همکاری تنها "مطلوب" نیست بلکه یک "ضرورت" است. ■

● مترجم از آقای ابراهیم افشارزنجانی به سبب نظرات مفیدشان در ترجمه متن قدردانی می‌کند.

#### یادداشتها:

1. Shoshana Zuboff, "In the Age of the Smart Machine: The future of work and Power (New York, 1988)
2. Research Issues in Electronic Records, reports of the working meeting (Washington DC., 1991).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی